



موضع اخیر سازمان چریکهای فدائی خلق:

## تھا جم گستردہ رویزیونیسم علیہ مارکسیسم-لنینیسم

مقدوم: ۴۰

ا جناب سا پیدبر حادها و ساقمات داشت سعی  
کنیده رسمای بوداری و ایستاد طبقه کارگر  
اما میدانید است. جراحت علیرغم از میان رفیقان  
سلطنت، بظا مردم بوداری و ایستاد فی مادوایا  
جنین روابط استنرا کرای ای بالیع سیوساس  
سبتا و مسحراهای اصلی حا معدکردد. این  
بحراها نهانیا تا کنون فروکش نکرده. بلکه از کسو

ا وقطعاً مکنکره بال درسا ره محکوم شمدون حنک  
امیربا لیستی و تبدیل آن به انقلاب را امضا میکند  
لیکن زمانی که محران جلیان امیربا لیستی فرا -  
می آورد. درسترا بن اوضاع متتحول، جربانها و  
سازمانهای سیاسی نیز دستخوش دگرگونی های کاه  
بیسا بقای می کردند. دگرگونی هاشی که بکمال  
قطعی منعکس کننده حرکت واقعی وجہ طبقاتی آنان  
می باشد.

تندبادهای انقلاب در پیج های تندتا ریختی در  
عرضه های گوتان گون، تغییر و تحولات سیاستی را سجود  
می آورد. درسترا بن اوضاع متتحول، جربانها و  
سازمانهای سیاسی نیز دستخوش دگرگونی های کاه  
بیسا بقای می کردند. دگرگونی هاشی که بکمال  
قطعی منعکس کننده حرکت واقعی وجہ طبقاتی آنان  
می باشد.

اگدرشا بخط عادی نسروهاشی با نشتن میان  
دور مندلی می گوشتند های خودش هم عصید منترک  
و سوروزی را در راسته های سیاسی برداشتارا  
برسا نشند، در مقطع بحرانی شاگردیه شرک موضع  
بینا بینی خوبش می باشد. بحران حا مهد و هو لات  
طبقاتی، آسان راسوی استخبار جا بکا ه و اقمعی  
طبقاتی شان برپا نکند. سمت و سوی طبقاتی شیان  
را بین از هر زمان دیگر عربان می شما دو دید که هیا  
سیاسی - ابدیولوژیک به شماره آشکار کشیده شده و  
سرا نجام از یکدیگر اشعاب می کند. لین در این  
خصوص نوبت:

"همیشہ در دوران جنین بحرانهاشی است که  
گروه بندی خوبی نسروهاي اجتماعی سرای سالهای  
زیاد وحشی برای دهیا سال معین مشود. مثلما  
در آلمان نموده جنین بحرانهاشی حکمهاشی سال  
۱۸۷۰ و ۱۸۷۵ و در روسه حوات سال ۱۹۰۵ بود.  
بدون مرآجعه حوات سال ۱۹۰۵ نیستوان به  
ما هیبت احزاب ساسی کشور مای سرو می سوان  
برای خودروش شموده کفلان تا بهمن حزب در  
روسیه نماینده کدا میکاریطقات است".

(لین - اجزا ساسی)

را دارهای جرا نقلات بروولتا رسا وجود دارد و  
آن وقت در لحظه بکدا س انقلاب آغاز میکردد و  
خاشنه، با شریل، تا آکا هاندو بخان اعناد  
فوی العاده ای نسبت به سوروزوازی شخنی  
کامیای خودرا ارسیدا رد، در جنس لحظه ای  
اکنیست بینواسان "سوال دمکرات" تا ریمان  
نشنیای "سوال دمکرات" و روزهای مدهای  
تفویض مردم دند. به سوال لیم خایت و روزهای  
را دارندادا زوسال لیم در دست کفرند و بد  
سوروزوازی ملی "خوبی کرویداد".  
وظاف بروولتا ریاد از نقلات

را

در بینن حا مهد بحران زده، هنکا مکه می بازد  
طبقاتی اوج سختی می باشد و بوسی ا نقلات مکند  
و بینن ترسیب نظم کهیں را دستخوش شریل و عتمد  
نیات می ساید، آن نسروهاشی که بیور سوسیم  
رسندا و پسر و مندی در آسها شود کرده سوچن  
افتاده، هر ا خود را بدرویسی عیان ساخته و مکوئند  
ناسوروزوازی را از نعمض صا ره طبقه جنس ملائی اس  
و ضرب ا نقلات برهاشی. در بیوچه جنس ملائی اس  
که بیور سوسیم تو ا م سیدا می کند و ساره دن و بیور سوسیم  
آشکار رسد می باشد.  
کا نوشکی کدبیوست کوش میکردسا می  
مارکسیم و بیور سوسیم بیلی بزند بزند ۱۹۰۹ کتاب  
"ا درسید سه در در را منتر میکند و در آن آغاز  
عصر ا نقلات در عرصه جیا نی را اعلام می شما دوهش را  
به آما دکی سرای شرکت در ا نقلات فرا می بخواهد، بعد از

## پرچم مبارزه ایدئولوژیک را بر افراشته قرسا زیم

# پیکار

فیمه شماره ۵۷  
سال دوم خرداد ۵۹

بورژوازی حاکم و تبلیغات گسترده و غلوآمیریه حول  
حمله نظامی امیراللیست آمریکا سلطنت راحادز مینه ذهنی  
منابع جهت توسعه نفوذ سیوال امیراللیست شوروی (۴۰).  
اکنون جنسن سیاست ارجانب رهبری سازمان  
چریکهای فدای خلق در پیشگرفته شده است و "کار  
۵۹" سیاگر آشنا را مربوط به اتفاقات، قدرت

## چگونه رویزیونیستها قدرت سیاسی حاکم را مداحی میکنند؟

"متنله ساسی هر انقلاب موضوع قدرت حاکمه در  
کشور است، بدون توضیح این متنله مینتوان از  
هیچکوشه ترکت آغاز ندارد" انقلاب و بیطريق اولی  
از رهبری شرق آن صحت کرد. (لين: قدرت دوکانه)  
رویزیونیستها همواره می کوشند متنله اساسی  
انقلاب را سودجوییز واژی و بیزبان پرولوتاریا حل

و تا شیدسیاست سیوال امیراللیست آن مانته  
کودتای ارتقای ذرا افق انتشار بینایه "اقدامی  
انقلابی" وارد کردند "حزب نوده" مرتد رجتیش  
کمیونیستی، ارانه کرتش رویزیونیستی در خصوص  
سا سی ترین مثال مربوط به اتفاقات، قدرت

انتخاباتی، هیئت حاکمه، خوده بورژوازی، سیاست  
نموده ای از جلسه طبقه های بک زنجیرو حبیعتی  
نموده ای که انتشار کارهای اکنون  
نشان میدهد که آن که انتشار کارهای اکنون  
رویزیونیستی، خودرا انسجام با مخصوصه، شوریزه نموده  
ودریارة مقولات ما رکسیستی دولت و مبارزه  
طبقاتی به تحدید طردت زده است. این جریان  
رویزیونیستی که در ازمان در موقع ملطف قرار

حران در "با شن" سبب شکاف در "سلا" میشود. بدین  
ترتیب مجموعه عوامل فوق ناکنون مانع تثبیت  
هیئت حاکمه گشته و این عدم تثبیت همچنان ادا می  
خواهد باشد.

سپاراین سوچ و دیده میشود که سعکان حدت  
حران انقلابی و مبارزه طبقاتی است که تصویر  
تندیسه ای از جن احیا هیئت حاکمه خود را بستره  
سینه انتشار داده و این خانه را علی رغم وجودت نظر-

شان سراسر ساسی ترین مثال بمعنی باز ازی و  
تر میم سیستم سرمایه داری و استهاده امیراللیست:  
مقابل و مدبب با اتفاقات وندام آن و سرگوب حبس  
سوده ای سرور در روشی و مبارزه ای اکنون  
کناده است، سازرهای که هندرجه دفاع از منافع  
نوده ای وندام اتفاقات و با رسروضیت با عدم مدبب با  
امیراللیست، ملکه اس اس اس اس اس اس بسته اوردن سهم  
پیشرازتا ب این روح از استندا روح است که رکن و روح حسکان  
کسب موضع سلطه در هیئت حاکمه، چکوکی برناهای  
اقتصادی - ساسی نحوه سرچورده ب محاباها و حل آنها  
سراج امیدان عملی که هر کندما زاین جنها در  
چهار رجوب سطا مو باسته برای ما نورمیان امیراللیستها  
می خواهد، سیا رزیم باشد.

مجموعه تغییر و تحولات فوق، ادا معورش مبارزه  
طبقاتی، تندیسه ای اتفاقات ها و میزان از دست دریه  
سیاسی، ریزکرا اکنها و تغییرات ساکنیکی صدا نقلاب از  
بکسوما هب طبقاتی خرد سوزرواژی و باورنوسیم  
حاکم برمرشی برخی از سروها را جب ازسوی دیگر،  
برخی از این سروها را متزلزل ساخته در اینجا  
رهبری حاکم بر سازمان چریکهای فدای خلق را بسوی  
سازش طبقاتی و رویزیونیستی کشته است.

## ● انتشار کارهای اکنون نشان میدهد که آن گرایش نیرومندوش است یا فتنه رویزیونیستی، خودرا انسجام با مخصوصه، شوریزه نموده و دریارة مقولات ما رکسیستی دولت و مبارزه طبقاتی به تجدید نظر دست زده است. این جریان رویزیونیستی که در ازمان در موقع ملطف قرار داده شده ای اعلیه چریان ما رکسیستی درون سازمان تعریض نموده ملکه در عرصه اجتماع نیز به تهاجم علیه ما رکسیستم لینیستی پرداخته است. این جریان رویزیونیستی به بورژوازی خدمت میکند و پرولوتاریا را به سازش با آن میکشد.

کشند و بین اینها علیه چریان ما رکسیستی درون سازمان  
انجام اتفاقات انسجام علیه چریکهای فدای خلق را بسوی  
نیزه نموده، بلکه در عرصه اجتماع نیزه سها جم علیه  
ما رکسیستم - لینیستیم برداخته است. این جریان  
رویزیونیستی به میکرده و بیداع از سوی سیاسی  
را بسالیم علمی حمله کرده و بیداع از سوی سیاسی  
را بسالیم علمی حمله کرده و بیداع از سوی سیاسی  
میدانیم که هر آن از اتفاقات توده ها و خدمت و  
هدف رویزیونیستی سیرین قدرت با تحکیم حاکمیت  
بورژوازی و میانت از کسب قدرت سوچ پرولوتاریاست.  
رویزیونیستم، اتکا به پارلمان تاریم، بیدیرش قوانین  
بورژوازی صلح با بورژوازی و فنی اتفاقات را تبلیغ میکند و  
عایر غم تشوری های بظاهر میگفت، مضمون واحدی را که همانا  
سازش طبقاتی است، اشاعه میدهد. بقول لینین  
ضمون ابورتوتیزم و رویزیونیزم عبارت است از:  
"همکاری طبقات، استنکاف از دیگران تصوری  
پرولوتاریا، استنکاف از عملیات اتفاقات،  
شناشی بدون قید و شرط قوانین بورژوازی،  
سی اعتمادی نسبت به پرولوتاریا و اعتماد به

(۴) - بدون شک با توجه این اتفاقات ملی و با  
توجهه عده تثبیت هیئت حاکمه کنونی دخالت، ظاهرا  
وکوشا از احباب امیراللیست آمریکا در ایران متفقی  
نیست، لیکن در شرایط کنونی جامعه و با توجه به  
مجموعه شرایط عینی و ذهنی موجود خال لست مستقیم  
امیراللیست آمریکا بعد سلطنت سریده و هر آنده آمریکا  
به چنین اقدا متحدا و زکار شه ای دست زند، توده های  
میلیونی خلق، و بینا مددگری بینا خواهند کرد. اما  
رویزیونیستها ای مرتد حزب توده همینها با هیئت  
حاکمه برای فروشان دن مبارزه طبقاتی می شوند و  
"قدا امیراللیست نشان دادن رزیم حکم، امکان  
تها جهت مقتیم امیراللیست آمریکا در حال حاضر  
سوزکتر از آنچه هست می شناس باشد.

دارده نیزه علیه چریان ما رکسیستی درون سازمان  
تعریض نموده، بلکه در عرصه اجتماع نیزه سها جم علیه  
ما رکسیستی - لینیستیم برداخته است. این جریان  
رویزیونیستی به میکرده و بیداع از سوی سیاسی  
را بسالیم علمی حمله کرده و بیداع از سوی سیاسی  
میدانیم که هر آن از اتفاقات توده ها و خدمت و  
هدف رویزیونیستی سیرین قدرت با تحکیم حاکمیت

مدای نیمکه هر آن از اتفاقات توده ها و خدمت و  
مدای هی سوزرواژی از علائم مخصوصه رویزیونیستی است.  
سیاستی که رویزیونیستها خودشان "برخی و  
بسیع آنها رویزیونیستها" "حزب نوده" در رابطه با  
اتفاقات و ضاد اتفاقات در ایران در پیش گرفته دیگر است  
بودا زکوش رای تثبیت هیئت حاکمه خد خلیق کنونی  
چلوكبری از او چکیری اتفاقات توده ها، حمله آنکه ای  
علیه کمیونیستها را نشان، کارگران، زحمتکشان و  
خلقه، کوشت سازش کشند طبقه کارگر سا

(۲) - سازمان ما قبلا سیرنکا ملی حرکت رویزیو  
نیستی سازمان چریکهای فدایی را تعقیب نموده و  
طی مقاومتی چند موقعا رویزیونیستی این سازمان را  
موردا نشان دارد اینه بود: "ا" مروزد فاع شرکتی ای  
فردا...!!" (بیکار ۴۱)، "سازمان چریکهای فدایی  
خلق و مسلسل اتفاقات سیاسی حکم" (ضمیمه بیکار ۴۷)،  
"سیاست انتخاباتی سازمان چریکهای فدایی خلق:   
جلوه ای از اسحرا ف رویزیونیستی" (ضمیمه بیکار ۴۸ و  
۴۹)، "توطئه اشغال داشتگاهها و موضع سازمانهای سیاسی  
سازمان مجا هدین خلق و سازمان چریکهای فدایی خلق" (ضمیمه بیکار ۵۲).

(۳) - سی سبب نیست که حزب توده خان در آرگان  
ضاد اتفاقات خود را بین خود داشت ریخ ۴ خرد ۵۹ دادن  
مشتبه و مدبیخن در موقع سازمان چریکهای فدایی خلق  
خلق میکند.

پس از علیه میشی جریان سازمان چریکهای فدایی  
این سازمان به موضعی سانتریستی و بینا بینی در  
غلتند بینکن موضع سیاست بینی میان ما رکسیستم -  
لینیستیم و رویزیونیستی نمی سوایست مدنی طولانی  
دوا آورد (۱) میشی جریان راه را برای اشاعه  
رویزیونیستی و غلبه آن در سازمان هموار سود و گرایش  
نیرومندر و رویزیونیستی و در عین حال جهت دهنده  
موجود در سازمان برای زمینه مناسب و در روابط اوج  
- گیری میزه طبقاتی و زیگرا اگهای فدای خلق از  
رسوی اسجا و میشی جریان راه را برای اشاعه

رویزیونیستی و غلبه آن در سازمان هموار سود و گرایش  
نیرومندر و رویزیونیستی و در عین حال جهت دهنده  
موجود در سازمان برای زمینه مناسب و در روابط اوج  
- گیری میزه طبقاتی و زیگرا اگهای فدای خلق از  
رسوی اسجا و میشی جریان راه را برای اشاعه

طرح شعار "سیرد بادیکتا سوری شاه" و سیم شعار  
"حاکمیت خلق" دفاع از دولت با زرگان و اعلامیه  
مربوط به کردستان در هنگام جمله رزیم به خلق کرد  
همه و همه حکایت از تعیق کرایش رویزیونیستی در  
در روز ای از این روزه که در هنگام جمله رزیم به خلق کرد  
زنگ خطری بود که در سطح جنیش مددادر آمده بود.  
این گرایش سیاست از واقعه سفارت امیراللیست  
آمریکا فوق العاده تشدید شد و خطرناک میان آن میشان  
یک چریان رویزیونیستی جهت دهنده حرکت سازمان  
آنکه رکردید، دفاع کامل از سوریه سیاست بینکه کشور  
موسالیستی "طرح اردوکا موسالیستی" میگشت  
که نسخ اتفاقات بینکن خود از رویزیونیستی خوش خی

(۱) - مافلاحت اتفاقات درونی سازمان چریکهای فدای  
خلق و حرما سایه سیاست - ابد شلوذ بینکه مختلف موجود  
در روز ای از این روزه که در جریان "جنیش نوسن کمیونیستی و  
سازمان چریکهای فدای خلق" تحلیل کردند بودم  
رویدادهای کمیونی این سازمان سا طرس مصلحت تحلیل  
کردند می باشد.

## پیکار

نتیجه اتفاقی نمی باشد باید دید که این اختلاف، برخاسته از کدام مفهوم طبقاتی و درجهت کدام هدف طبقاتی فرا را دارد.

از زمان جریکهای افراشی خلق در تحلیل خود، حکومت را "ضد امیریا لیست" و "نموده است، طبقه سرمایه داران را است رسموده و در عین حال وساکتی این طبقه را "ضد امیریا لیست" از زبان پرسیده است. خاطر خرکت امیریا لیست از در درون ایران بدست رسانیده جلوه میدهد. بسترور هر سی سازمان جریکهای فقط امیریا لیست آمریکا در خارج از امریکا و عناصر صرمذوری چند دردا خل هستند که در برابر سرکوب جنیش خلق میباشد. بینظار این جریان طبقه سرمایه بادا ایران و دولت طبقاتی اول در برابر سرکوب زحمکن نیستند، آنان مظلومانی میباشند که باید مورد حساب قرار گیرند همان دیدگاهی که بمورث دفیعت و نکمل سازنده سر

گردن جنیش اتفاقی دمکراتیک - ضد امیریا لیستی شودهای تحت ستم سیاست کرد و یکاری کرد، باید این امکانات مادی و معنوی و اعمال فشار همه جانبه که ریگان و روحمندان از سرمهای سازمان دفاع میکند، با سرکوب دهانان و جلوگیری از مصالح اداره اراضی از زمان میباشد این بزرگ و خاصهای مرتع محابیت کرد و آنها را بر علیه دهان از مصالح میکند، خلکهای دلاور کردند ترکمن، عرب و ... و خانه سرکوب کردند و ما جنگ افزارهای ساخت امیریا لیستی خواک و خون میکشند و چند کوکان نیز از آتش کشیده و در این میان کشته ای از مصالح اداره ای از میکند و همین میزگاه را "ضد امیریا لیست" و "امیریا لیست" نیز میگویند. "ضد حکومت" هیئت حکومت "(۵) قلمداد میکند و به حماست آنکار از قدرت سیاسی حاکم بر می خورد.

بورژوازی" (پورتو نیسمور شکن) انتربن سوتا (دوم) روبزیو

نیسمونتی داشت که از راه ملح و سارش تخفیف میگزیند طبقاتی و گفت آزادی هاشی از سلطه محاکم میباشد. را به اوضاع کم و بیش بهبودیا فتنه همیون ساخت و امروز سازمان چریکهای افراشی در تحت حاکمیت بورژوازی میگشت از "ملح عادله" میکند و همین حکومت را "ضد امیریا لیست" و "امیریا لیست" نیز میگویند. "ضد حکومت" هیئت حکومت "(۵) قلمداد میکند و به حماست آنکار از قدرت سیاسی حاکم بر می خورد.

## چگونه سازمان چریکهای فدابی از بورژوازی حمایت میکند؟

جریان راست حاکم بر سازمان چریکهای افراشی در مذاقی از قدرت سیاسی موجود می نویسد: "امیریا لیست آمریکا با تکیه بر طبقه سرمایه دار ایران و یکمکای ابادی خودشکنی های جاسوسی دریان تقویت" روحیه مایمادنگان رژیم با بقی طبقه سرمایه دار ایران، زمینداران بزرگ و فرماندهان آمریکائی و ارشتی و هزاران ساواکی میباشد".

ولی سین در حقیقی با بد امیریا لیست که همان طبقه سرمایه دار است می نویسد: "امیریا لیست آمریکا ... بد این نتیجه رسیده است که شنها با سرنگونی حکومت کشوری و روی کار آوردن عناصری مثل بختی روزبه و مثالیم و با بقدرت رساندن فرماندهان نظامی میباشد. سیاستهای خود را در ایران دنبال کنده دخخود را که به شکست کشاند و سرکوب جنیش خلق می باشد است بدینش ببرد. امروز کما ملا شکار است که تلاش امیریا لیست آمریکایی تحصل بگیرد میباشد که حکومت کشوری حکومتی ضد امیریا لیستی است و از این لحاظ امیریا لیست دارای هم خواستی اساسی باشند. این درکی هیچ معنای دیگری نداشته باشد و اینکه از نظر این سازمان طبقه اجتماعی این مسلط خدمت امیریا لیست و منطق با منافع آن نیست".

امیریا لیست آمریکا در جهات سقوط و غارت و مستقری فعالیت کرده است. آنها به آستانه نیوسی بورژوازی رفت و همین طبقه اجتماعی در این کارهای فدابی اشکای دست به تحریف روزیو نیست میزند. و چنین واسع میباشد که حکومت کشوری حکومتی ضد امیریا لیستی است و از این لحاظ امیریا لیست دارای هم خواستی اینکه از نظر این سازمان طبقه اجتماعی این مسلط خدمت امیریا لیست باشد. ای "ضد امیریا لیست" می باشد.

به چه دلیل؟ بدین دلیل روش که از نقطه نظر راکیستی هر دولتی شناخته بک طبقه معین اجتماعی است. ما هیبت دولت و قدرت سیاسی حاکم را با طبقه مقتفي با طبقه اجتماعی مسلط دارد. هیچ دولت "ما ورا" طبقاتی و با "شما مخلقی" وجود ندارد. هر دولت ارگان حاکمیت ای از سرکوب یک طبقه ای مسلط طبقه دیگر است. در این این میدانیم که بورژوازی طبقه مسلط را تنکیل میکند، ما میدانیم که ماشین دولتی حاکم ارگان سیاست بورژوازی ایران و مدافعان سیستم سرمایه داری و استهیم با شدوی آخره ما میدانیم که بورژوازی ای امیریا لیست مسلط خود را میگزیند. ما مخصوص جناحی از آن سیاست امیریا لیست را میگذراند. شناختی که واقعیت همدا رد، بلکه متطوری فعالیت مترقبا نه و مادا امیریا لیستی این تفاو عملکرد آن در جا رجوب ضدا نقلاب جهانی است.

## مرگ بر امیریا لیست آمریکا، دشمن اصلی خلق های ایران

همین حافظه مبارزه علیه امیریا لیسم ممکن نیست مگر از طبقه مبارزه علیه بینا دهای اقتصادی - طبقه تی موجود و قدرت سیاسی مدافعت آن درجا معه، این مبارزه بیکسر ممکن نیست همچو رهبری طبقه کارگر، جال آنکه رویزبیونیستها این مفاهم را تحریف کرده و از آنجاکه میتوان طبقه تی در غلبه و کوشش در برداش بورژوازی کشیده شده است، اساساً میتوانند تک میتوانند مبارزه امیریا لیستی تمام عبارا را به پیش ببرند. آنان همدم با بورژوازی، همای رزهای امیریا لیسم در حرف را مبارزه واقعی جا میتوانند. حزب توده خانش پیوسته بر همین شیوه کوشیده است در حال لیکه از جان بنب دیگر شهنشی استقلال، بله مشی و استگی را شبلیخ

با "طبقه سرما بدادر" را مطرح میکند، اما مبارزه با دولت حاصل و سنا بند آن را "قرا موش" میکند! این سازمان حلقه مرکزی زنجیره مبارزه اتفاقی توده ها بر علیه "طبقه سرما بدادر" را ارزشترین توده ها دور میسازد و دیدن ترسیب ذهن آنان را از "مسائل اساسی" میگذرانند. این میتوانند راهنمایی میکنند که "اختمان قدرت دولتی را با مل شود" (۲)، آیا این سیاست یعنی ساختمان قدرت دولتی ("۶") منحرف میگذرد و میتوانند آن را به عرصه ای میکنند که "اختمان قدرت دولتی را با مل شود" (۲)، آیا این سیاست جزو سایر طبقاتی و گروهی میگذارد که میتوانند این را به عرصه ای میگردند؟ او خواهان تخفیف و توقف مبارزه طبقه ای و مخالف اتفاقات توده ها علیه بورژوازی خودی می‌باشد. این میتوانند این را به عرصه ای میگردند که "اختمان قدرت دولتی را با مل شود" (۲)، آیا این سیاست جزو سایر طبقاتی و گروهی میگذارد که میتوانند این را به عرصه ای میگردند؟

بسند و توده ها را به اتحادیک جمهیه سورزاوی دعوب ساید. رهبری سازمان جرسکهای فدایی میگشند. دولت مدحفلی موجود را "مذا بر" میگذرد. این ارگان طبقاتی سورزاوی را کنند. آری جرسان حاکم بر سازمان جرسکهای فدایی خواهان نشینی حاکمیت طبقه ای سورزاوی و تقویت ماسن دولتی او میگردند. خواهان تخفیف و توقف مبارزه طبقه ای و مخالف اتفاقات توده ها علیه بورژوازی خودی می‌باشد. این میتوانند این را به عرصه ای میگردند که "اختمان قدرت دولتی را با مل شود" (۲)، آیا این سیاست جزو سایر طبقاتی و گروهی میگذارد که میتوانند این را به عرصه ای میگردند؟

البته ممکن است سازمان جرسکهای فدایی اعتراف کنند که ما "طبقه سرما بدادر" را با کاره امیریا لیسم در ایران میدانیم و آن را برد بوسیلی سکرده ام. ما نیز در زیرینه این اعتراف باشیم:

سازمان ج. ف. خ. در سرتا لیکار خود "طبقه سرما بدادر" را تکیه کا، امیریا لیسم آمریکا از طبقه این تکیه معنقداست که امیریا لیسم آمریکا از طبقه این تکیه - کا و نیزه به کمک ایادی و شکنجهای جاوسی خود آن به اشکال مختلف در حال انجام مفعالیتیها و اقدامات خدا نفلاتی است (که این اقدامات را بر میگذرد) اما آنها نیز خواهند توضیح دهد که ما "طبقه سرما بدادر" را بجهت عمل میکنند، نه بندگان سایر آنها که متوجه را بطریق این "طبقه سرما بدادر" تا قدرت سایر حاکمکهای سازمان ج. ف. خ. حمایت خویش را از دولت سورزاوی کنونی اعلام میکردند، باید قبول کرد که آنها هیچگونه رابطه ای میان "طبقه سرما بدادر" و "دولت کنونی" نمی بینند و عبارت دیگر دولت کنونی را در روز را طبقات اجتماعی قرار میگذند (کاری که رویزبیونیست ها در شما مطول تاریخ مارکسیست های انجام داده اند) و جمله کاری که رویزبیونیست های ورشکسته و خاک شن خوب توده اند نجات داده و میگذند او باید اذاعان داشت که میگذرد سازمان ج. ف. خ. با "طبقه سرما بدادر" ایران متناسب با یک دادخواهی امیریا لیسم و سیاست دیگر میگذرد. آنها امیریا لیسم جز عبارت بردازی بوج و تهیی ما به جیزیدیکی نمی باشد.

ما رزهای طبقه اجتماعی را اساس از طبقه مبارزه علیه دولتی که نمایند و حافظ منافع اساسی آن است. میتوان سه بخش سرد، میا رزه برولتا ریا با طبقه مسلط اقتصادی (ودرا اینجا طبقه سرما بدادر ایران) اکسحواهند (که باید از جها رحوب شنکنند) مبارزه اقتصادی فرا تردد و بیهوده عرصه سیاست کشند شود. ساکتریم بایست سمت دولت حاکم و قدرت سایری باشد. رسانافع این طبقه جهت کمی میباشد. میا رزه برولتا ریا و میتوانند مضمون و محتوا اینجا مسلط انتقامی داشته باشند و از دفاع از سیستم سرما بدادر و استه طبقه کارگر، تووده ها و خلیلها را سرکوب میگنند. سلطه و نفوذ امیریا لیستی و ادماهان دریک تکور میرسیست مکرر است اینکه مزدم ماتاکنون به پیروزیهای جنگکری دست یافته است. (کار ۵۹)

## نقی مبارزه طبقاتی تحت پوشش مبارزه ضد امپریالیستی

کرده است.

اما سازمان جرسکهای فدایی خلق چه میگوید و چه میکند؟ رهبری این سازمان، "حضور امیریا لیسم" را در ایران در جنگ "مهره" در حکمیت می بینند و هدر تا روپوشنظ مسلم مبارزه میگردند. قدرت سیاسی ای کویستی را ای زاس زای میگنند تا

امیریا لیسم بقا باید. و میبا رزه امیریا لیستی را در هیا هوی سورزاوی و دشن خود، بورژوازی مرفه شریک در قدرت سیاسی می بینند. حال آنکه اوقیعت جیزیدیکریست. اگر امیریا لیسم، "دهقان" مفسد کردی سودگر بستوب سنته میشد، با کوکد "خدانقلایی" سندجی بودگه بیماران را در جنگ "آلالکتری" بودگه بر علیه سرما بدادر و استه انتقام را می -

اندازد و سریزندان می افتدا. آن دهقان "کارفری" که زمینه ای فندولها را "غضب" (و سلطنت اسلام دیگر) و هزا ران شتمت و فترسی می شنید، بایان سازمانهای "جب آمریکا" شی سودنکدست بدها فشار کری جنایات رزیم مزدهان دندا توده ها را آکا و موتکل کشند و بشه این خاطرمور در فرب قرار می گرفتند، در این صورت واقعاً میتوان گفت میا رزه علیه سرما بدادر و استه انتقام را می -

کنون هیئت حاکمه بر رهبری "جنای خوش" خویش به بیش برده است! ولی اگر امیریا لیسم را "غضب" (و سلطنت اسلام دیگر) و هزا ران شتمت و فترسی می شنید، بایان سازمانهای "جب آمریکا" شی سودنکدست بدها فشار کری جنایات رزیم مزدهان دندا توده ها را آکا و موتکل کشند و بشه این خاطرمور در فرب قرار می گرفتند، در این صورت واقعاً میتوان گفت میا رزه علیه سرما بدادر و استه انتقام را می -

کنون هیئت حاکمه بر رهبری "جنای خوش" خویش به بیش برده است! ولی اگر امیریا لیسم را "غضب" (و سلطنت اسلام دیگر) و هزا ران شتمت و فترسی می شنید، بایان سازمانهای "جب آمریکا" شی سودنکدست بدها فشار کری جنایات رزیم مزدهان دندا توده ها را آکا و موتکل کشند و بشه این خاطرمور در فرب قرار می گرفتند، در این صورت واقعاً میتوان گفت میا رزه علیه سرما بدادر و استه انتقام را می -

برای سیاست میگردند که میتوانند سرکشی، دار و نیزه "میریا لیسم" را میگردند. میا رزه برولتا ریا با میگردند اکثر مانکنون به پیروزیهای جنگکری دست یافته است. (کار ۵۹)

میا رزه بدانه امیریا لیستی واقعی کدام است؟ بین میا رزه بدانه امیریا لیستی بیکار ریا نایابی شهاده ای اقتصادی سیاست، نظری و فرهنگی و استهه میگردند که میتوانند مضمون و محتوا اینجا مسلط انتقامی داشته باشند و از دفاع از سیستم سرما بدادر و استه طبقه کارگر، تووده ها و خلیلها را سرکوب میگنند. سلطه و نفوذ امیریا لیستی و ادماهان دریک تکور میرسیست مکرر است اینکه مزدم ماتاکنون به پیروزیهای جنگکری دست یافته است. (کار ۵۹)

(۲) - ستقل ازلین (دریا ره درک لیسم) ما رکیستی از میا رزه طبقاتی

صفحه ۵

میرزا نیم‌جهانی را سلیمان در آورده است، معنای دیگری ندارد جرخط سلطان کسیدن سرپکری طبقه کارگر و قنف اساسی اور اخلاق دمکراسیک و ضد میرزا نلسن میهن ما، زماسی که "سازار خوده" سوروزاری مردم‌همی درقدار است، میرزا نیمراء "لرور" اورده است، دیگر حادثه‌ای به طبقه کارگر می‌ماند؛ دیگرچه نسا زی به احتمال دمپ مستقل طبقه کارگری نیست؛ از گجرات‌زمی می‌رسنند میرزا حسن دمکراسیتیم از لبیر ایسمیانی می‌ماند؟

البته ممکن است سازمان چریکها ای اعتراف کنده ما "طبقه سرمایه‌دار را با یکا ها میریا لیسم در ایران میدانیم و آن را بردۀ بوشی نکرده‌ایم. مانند زیرینه‌ایم. اعتراض پاسخ میگوییم: سازمان چریکها در سرمهای دیگر خود "طبقه سرمایه‌دار" را تکیه‌گاه ها میریا لیسم آمریکا میداند و معتقد‌است که امیریا لیسم آمریکا از طرق این تکیه‌گاه و سرمهای کمک ایادی و شبکه‌های جاسوسی خود "به اشکال مختلف در حال انجام فعالیت‌ها و اقدامات ضد مغلابی است (که این اقدامات را بر می‌سرد). اما آنها نمی‌خواهند توضیح دهند که این "طبقه سرمایه‌دار" چگونه عمل می‌کند، همان‌ین‌کسان سیاسی آنها که امن و حرج را بسطه‌ای می‌بین این "طبقه سرمایه‌دار" را قادرت سیاسی حاکم و بیان دیگر بورژوازی حاکم وجود دارد؟

توسعه و تکامل انقلاب  
و هراس روانیستی

مس ارتقا، اد-مدو-ستکی سدا مرتبه ای  
دیگران ایجادی، اد-مدغیر و فلاکت بوده‌ها و  
ب-کسره دوده‌ها سوط رژیم جمهوری اسلامی  
ب-سدوده‌ای ستری سدا روند و بهمنان  
ب-بدولیت تروپریزد و سمارا-تلخانی عمو بی‌سمری  
د-دورخشن نوهم و غربان سدن ما هب-مدد  
ه- اس حکومت بی‌سوامت موردا ستدیار  
های کم‌ویست و اشقلانی ترا ریکبرد. اما ریور-  
سیها از اس امرکران بوده و می باشد بر سرا  
مدادع همین رژیم بود و خواهان اسلاب مستبد.  
نیسم موضع رهبری سارمان حر-تکهای فدا شی  
ب- مورد حسب و حکومه مفیون ما رکنیتی دولت  
ب- بد مکن.

و اس درحالی است که محاصل حکم افروز  
بر سرکرد رفیل هست که هدف هر کوکه بخرید  
سازی سود و حراط اعمال و حرکا ب مدد مکرانی  
و حسونت سارهودنا کمون سلسیوسها از مردمی  
از آنکه در حرسان سرکوسی سادعاً اندسته مبارزه د  
سرکت دا سیندهیف ساخندو با سلطهداری از  
جهیه لیسر الیها و ادیسات... اکرمیون سدب  
مسئال سین رو ده ملوب جدا مریا لیسی سوده ها  
جان تھعین سود و سیح و درکری و حسوت  
صار مردم حسان اسا اسکرکد کستیجها حسات -  
تا بدیر آن دیر کریس جهودا سفلات و مقدرت

سما روبرویونسی و خدماء رکسیستی سازمان  
جزئیاتی که از این مجموعه استفاده شده با هم  
در "پریوریتی" این جمع سوم، با اساس این شماره،  
لطفاً کارکردهای سندیده باشند که بتوانند  
دلخیلی و عنای مرمندی جوں سپسندی ها، قطب زاده ها  
با زرگانها رفسنجانی ها، مدنسی ها، سنتی مدرسه ها و  
جمع سوادی سوادنده "پریوریتی" جمکری "ناشی"

روزبرو نیسم بعین بقی رهبری طبقه کارکر  
بعین بقی صف مغلوب طبقه کارکر، بعین بسربل رهبری  
به سوروزاری، بعین بقی مازرطخانی و اسلام  
جناب عی این ساسن است که رهبری  
با رمان جریکهای فداش خلق اراده میدهد.  
حال است که زمان جریکهای داداش حتی  
بکار ام راه زیبا "محاذل لیبرال درون هیئت حاکمه"  
که تا دروز آنچنان در آن با مفسرده و مرز خود را  
بکران برسران میگردیده فرا موسی  
میرده است این مازرهای سه مکون را میگند.  
جناب روزبرو نیسم رسندوانه که داکنون رهبری  
از زمان جریکهای فداش همچنان خیابان هست حاکمه  
از جمله سوروزاری را که تا دروز آنچنان رسرب  
سازه خود را آن ساکن میگردید سه وحدت سخاطر "مناره"  
ما امیریا نیسم "رزبریم" امام فرا میخواهد. این  
از زمان آکا هاته س مطلب را سه فرا موسی میسازد  
ده هشت خاکمه سما سند ساسی همان سرماده را می  
بی ساکنکده استم را نظنه کارکر و بوده مسؤول  
بن زمان این مطلب اساسی را "فرا موسی" منکنده  
با سیاست موجه سارش طخانی سا سوروزاری حاکم

ر ۱ ا راسته رورسجهاي زماني سوي شيطان بزرگ  
السته در ماروا رزراها معطوف كند آ. سجه آ يت الله  
حمسى مكند استكنت سوجه توده ها را رسها دهای  
اطلى داخلی کذا میرزا لیسمیدان تکهه میکند  
منحرف سارد .

مانعی گوشیم لاشهای متغیرنی جون بختیارها و  
ترسنه های سینتریت سوده ها شنا سانده شنود و امیرالبیشم  
نمی خواهد پیشحال سمعتوان بک برگ در مقاطعی از  
آنان استفاده مکند، ما می گوشیم سههای حمنظامی  
امیرالبیشم امرکا در شرایط کوتی سی طور مطلق و با  
برای همینه منتفی است، اما میرزا خدا امیرالبیشم  
را بینتان دادن حتا بینکار ای که خود سوده ها در عمل  
روشن سربن با سخنهای خویش را در روی سدیاره طبقاً سی  
- شان بین داشان داده اند - محدود شدنون، تحریف  
آنکه روزبری سیستی است . این عمل بعنی سمه  
انحراف کشیدن سمت اعلیٰ فرشته می رزه طبقاً سی و خد  
امیرالبیشم سوده ها، شنان دادن می رزه علیمه  
لائشهای از نظر سراسی مردهای جون شا و بختیار و  
ترسنه سمعتوان بک می رزه سما عیا رهدا امیرزا لیسمی  
و پنهان کردن آن میستم که امیرزا لیسمی آن بکه  
میکند بعنی سرمایه دادی و ایسته و ماشین دولتی  
مدادع آن جز قریب سوده ها و به احراج کشا نسند  
اسقلاب جیره دیگری نیست .

دیدکا هر ویزیوتیستی سازمان جریکها، امیر  
با نیمسرا اساساً سمعناون بک بدیده خارجی در مطر  
کرفته و با کجا دنرا به جند "مهره" محدود ساخته و ازاً تعا  
که می‌باز روزه داده میرسا لیستی را فقط در میان روزه علیمه  
اسن "مهره‌ها" می‌بیند، سپاهان "بهترین و حسن"  
اسن "می‌بازه" توسط هشت حاکمه و آیت الله حبیبی  
حلویمورد دیدکا هی که با کجا های داخلی  
امیرا نیمسرا می‌بوشند و می‌باشد میرسا لیستی  
دیگر میردا خلی بدهاراف میکشند، بک دیدکا ه  
روزیوتیستی است و عملما جنبن دیدنایی به سوره‌زاری  
خدمت میکند، دیدکا هی که تحت خود پوش می‌باشد  
امیرا لیسم می‌بازه طبقاً را تلقی میکند و سوره‌زاری  
و قدرت سیاسی آن را عملما از خدمت می‌بازه نموده ها  
محون میدارد.

رهری سازمان جریکهای فداشی در پی تحاب  
بورزوایی و قدرت طبقاتی اواز مردم مبارزه طبقاتی  
شوده است. اواز "فدا میریا لست" شنادان کسانی  
که سرسکوب و حسنه شوده های طبقه ای ما مشغولند،  
دزیب فربیت شوده ها و تبدیل کردن آنها به راز شده  
سوزنگاری است.

## سازش طبقاتی و نفی انقلاب

رهبری سازمان جهیزکاری فدا شی سانا شیدر زیرزمی  
جمهوری اسلامی، با حمام از هشت حاکمه کوسنی، با  
رسول «رهبری آیت الله خمینی» هش روادیدکسری  
نمایند و در حراست کمکه بعنی استقلال و نفعی رسمی برقراری  
رسوداً بن خطی است که در پرسنل هسته‌آذنا تغییر  
می‌کنند. بنابراین استنکه مردم ماجحت هدایت بخی از  
هشت حاکمه «پیروز سهای حسنگیری» شال شده‌اند  
بنابراین استنکه مبارزه بخی از هشت حاکمه «تار و سود

## رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

# پیکار

صیممه سماره ۵۷  
سال دوم ۱۲ خرداد ۵۹

وپرا فدامات آتا رسیسی جد سماان "پیکار می" --  
کبرد، این تحریف آنکارا زامفوولدولب جرجندیستر  
در مارکیسم - اسیسیم و جرانتا عدو روپرسیسیم جر  
دیکری تیسیواندیاد.

کار آدا میدهد:

"محافل جنگ افروز و سرکوب درون هیئت حاکمه  
که فاده هر کوشه تحریره سای سوده...، هژو به  
اعمال جنگ افروز اوه و دیدکرنا سیک خود ادمه  
میدند و درست در بر ای اس محافل جریانات  
احرار به جب جیس کموسیسی و لیسرالها رور  
بروز سیشتریده اعمال آتا رسیسی و سارهای  
سرنکونی کننده میتوندوا کهند پیدا است که  
اس دوپیوسته برهمن شرم کد رسد و هر یک  
زمینه بسته جرکات مخرب دیکری را فرا هم  
می کند." (کار ۵۹)

● این سازمان حضورا میریا لیسمرا درا برا درجه "مهره" در حاکمه  
می بیند و شهدرتا روپودنطا مرماییداری وابسته، نهدار آن طبقه قدرت  
سیاسی ای کدیسته را با زاسی میکنندتا ا میریا لیسمقا با بدومبارزه  
ضدا میریا لیستی را در هیا هوی بورزوای و دشنا مخدوده بورزوای مرفعه  
شوبک درقدرت سیاسی می بیند. حال آنکه دعا غیبت چیزیگری است.

جوهر کلام رهبری سازمان جرکها فداشی است:  
اعمال سیاست سرکوب هیئت حاکمه جهت خودکردن  
انقلاب، اعمال سیاست سرکوب و جنگ افروز ای  
هیئت حاکمه علیه کارکنان و روحکنکان دور ورد.  
اندیشک، انزلی و عمله خلق دلاور کردستان و اعمال  
سیاست ترور و خفغان در قبال نیروهای کمونیست و  
انقلابی هنائی از ما هیئت طبقه شی دولت حاکم، بلکه  
ناشی از دعوا می باشد: فقدان "تجزیه سیاسی" مخاطبی  
از هیئت حاکمه و پیکر "جریانات انحرافیه "جب" و  
"لیسرالها". بدمیان دیکر، از نفعه نظر روپرسیستی  
این سازمان، اگرچنان نجاه مخالف فوق "تجزیه سیاسی"  
پیدا کنند، سیاست سرکوب را کنار رکذاشته خواهند و  
نیز "جریانات انحرافیه" جب تجزیه نجاه اقدامات  
آتا رسیستی "تنها بینندگان افروزی از سین خواهد  
رفت. جریان روپرسیستی فوق دو تحریف اساسی  
ضدا مارکیستی سعمل می آورد:

- ۱ - سرکوب و اعمال دیکنا توری جز وما هیئت طبقه  
حاکم استندا رگرنست و این سرکوب ضرورت بقای  
نظام رسمای بدداری و ایسته بدها میریا لیسم بشما رهنی.  
آبد.
- ۲ - با بدیما رزه طبقاتی را استطیل شمود و فعالیت  
نیروهای آکا و اوقایلوں کمونیست برا این سک  
سیاست و می پیکرها و اوقایلوی، بایان داد و آن را تا  
حدیک سیاست لیسرالی تنتزل داد.

در تکمیل نظرات روپرسیستی فوق جریان  
روپرسیستی حاکم می گوید:  
"رشیس جمهوری من تا کیده ای که برای اعمال حاکمیت  
جمهوری اسلامی و مقابله با کسانی که این حاکمیت  
را زیر علامت شوال قرار داده اند کرد، ازا مکان

سرکوب طبقاتی متحمه هر دو لطفه است.  
دولت ارکان سیاست بک طبقه بر طبقه دیکراست و سه  
بیان دیکرا سرا و اعمال دیکنا سوری بک طبقه معین  
موجود است و در اسکال کوکا کون میکوئندجا کمیست  
طبقه مسلط و داد و آنرا کوکا ای سما بدو شهه میرا سی  
که میبا رزه طبقاتی رند میکنیده اعمال سرکوب آشکار است  
و همه جا سه بسته است می بازد.

روپرسیستها بیوشهه می فهمه ای سای از  
دولت را تحریف کرده و میکوشندتا می رزه طبقاتی  
موده دهه -- که سارکوکریلند میموده -- سه متوجه کل می باش  
دولتی بلکه متوجه این جز، و با آن جز، از ما شن  
دولتی و با متوجه نمودها و عملکردهای ماسن دولتی  
نماید. روپرسیستها بددربی در هم شکنن مانش  
دولتی که دیوار از نیروهای سرکوب همچون ارتش،

رسیدن حکومت دست ساندها میرا لیسم  
آمریکا است." (کار ۵۹ - ساکیدا زماست)

۱ - میدا سیم که دیختن مهمی از سوده های خلخ ما در  
تحریف مسقیم خود و سحب نایر افتخاری و معاشری های  
آکا هکرا سه نیروهای اکموسیسی و اسفلانی از هیئت  
حاکمه، بین از پیش آکا دیکنده و از هیئت حاکمه سریه  
- آبد اکرچیس از قیا مردم ماسی بودند که را شر  
عملکردا وستجاعی دولت حاکم و صفحه سمع آکا دو سلط  
فندا ن آکا هی، بدمیو عبا مرتعنی ظفریلشیار و  
با لیسرالها بی بطای هر بحال حارج از حکومت می باش  
کنسته. ولی اولا این عده شنیده بسوده های میلیوسی  
تلیل بوده و تا این عده اساسا از افتخار مرقده حامده  
سودا ند. حال آنکه "ملیوسیها تن از مردم" (در  
کردستان، ترکمن حرا و...) بدتیا عربان شدند  
ما هب حکومت در مرف اتفاق فعال نشد، باس این

در برای سرکوب و ستمکری هیئت حاکمه بمعقول و کسری  
می بازه طبقاتی و ملی سود، این سوده های ملکیوسی  
با مارزه و مقاومت خود را حکومت فاصله کرده و می دلی  
برخلاف تسلیفات روپرسیستی سازمان جریکتای  
قداشی "منتعل" "سنه و سه" "جیهه لیسرالها" "نمیوسید  
سلکه اتس مارزه طبقاتی وا تقابلا را فروز و سرموده  
و مغوف داد میریا لیستی را از سخکا میستی  
سرخوردا رکردست، سوده های ملکیوسی هر جریکد هموز  
از سکل طبقاتی و آکا هی ملکیوسی هر جریکد هموز  
نیستند، ما این ضعف سهه افتاده اند و نیز ساره  
واس زن سا بورزوای سلکدرا داده مارزه و کسری

تحریف مسقیم و ساقعه ای وسیع و همه جانه سهه نیروهای  
مادی و سکیر اتفاقی قابل رفع است. آبد که  
روپرسیستی حاکم بر سارمان جریکها که دیکه  
کارکردن سوده های اعتماده را از دست داده سرین توشه  
از همین رسم جمهوری اسلامی جیزی جز "نقوبت جیمه  
قدا نقلات" نیست، جرا که این رزیم "حکومت" می داد  
اما میریا لیستی میسا دی حا ل آنکه ما میدا نیم شکن  
توهمنوده های هر جه دیسته های هیئت حاکمه  
و ما لکر فتن می رزه آتا ن، حاصل دیکر جز تقویت  
جیمهه اتفاقی نیست، جرا که این رزیم "حکومت" می داد  
ما رزه داد میریا لیستی نخوا داده است. و همه  
کمونیستهای راستین و اتفاقیهای وفا داره اتفاق  
نمی توانند از این امر حوش احال نیسانندوا بین امر  
نمی توانند این را در راه آکا هی بخشیدن به توشه  
و نتکل آنها هر جه دیسته غیب شکنند و با لآخره این امر  
نمی توانند بورزوای روپرسیستها و اپورتونیستها  
را هر اس انتر ترازد، واقعیت این است که ازمان  
ج. ف. ج. "انفعال" و سیاست با سیفیستی کنوشی خود  
نسبت به می رزه طبقاتی را بحاب "انفعال" توشه  
از این می رزه می کذا رند!

۱ - جریان مسلط سر زمان جریکهای فداشی در  
کرست در قبال بورزوای نایر اتفاقی و نایر اتفاقی  
مولویه دولت از نظر ما رکیستی را آنکار اتحادیه  
میکند. لینس می نویسد:  
"دولت سازمان خاص از نیروهای سازمان قوه  
فیرهه برای سرکوب طبقه معین است."  
(دولت و اتفاق)

# حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقه است

از آنها درجهت پیروزی انقلاب استفاده کند. بدینکه فقط این تعدادها را بسندوza عده کردند آنها در مدد تطهیر هیئت حاکمه و متصرف کردند. حبیب مرشد اعلیٰ انقلاب باند.

اما دیدگاه روبیزیونیستی که جنم سفرم دوچه است، از تسامی امکانات خوب شهره مکندرد است. فروکش کردن سحران کمک کند. سایه معمون دامن در درت سیاسی از مزایا میزدند. بدلاً ملاحاً بورد سطح که هر کجا جنسیت سودهای بصر ای سیاست از آن را سکفت آورد، دست باشد. حالمین سطر که روبیزیونیستی که راجبنیت سودهای وحشت زده دادند، با هر حرکت این جنبش فربان داشت از "جب روی آن رشیم" بعرض مرسد و مکشندان سراسر سودهای از انقلاب، آنها را بس کنید و روزمره انتسب کند.

## رویزیونیسم: نفع مبارزه طبقاتی و انقلاب

رویزیونیسم بمنابعی جربان ایدئولوژیک بورژواشی دارای یک سیستم نظری معین میباشد و دیدگاه روبیزیونیستی حاکم بریک سازمان در تماش عرصه های عملی و نظری خود را پیش میگذارد. همان نظریه دیدگیری شدیدگاریش روبیزیونیستی و تکامل آن به جربان روبیزیونیستی در سازمان چربکهای فدائی خلق نمیتوانست در اساسی ترین مواضع این سازمان اشکاع نداشت. حال اشکاع این دیدگاه را در این طبقاتی بحراً اشکاع جامعه و مبارزه طبقاتی، بوضوح میتوان متأهده نمود.

تحقیق ملح آمیز مطالبات خلق کردو پسرورت کوش برای بیان دادن به جنگ کردستان سخن گفت و تا کیدکردگاه مکان حل ملح آمیز برای کردستان وجود را بدوزنی امکانی بیشترین بجهه کبری را کرد. رشیس جمهور با استخراج رایش فروهربرای مذاکرات ملح کردستان کام عملی مشتبه بجهود را داشت. فکر میکنیم که رئیس جمهوری آن انداده زوجیه و آگاهی سیاسی و تاریخی برخوردار است که این رادرک کنده بحران کردستان به هیچ روازه نظام حل نخواهد شد" (کار ۵۹ - تاکید از ماس)

لتنین میگفت روبیزیونیستها به بورژوازی اعتنای دارند، درحالیکه نسبت به برولتاریا - اعتمادی باشند. سازش طبقاتی را قبول دارند، در حال لبکه مبارزه طبقاتی و انقلاب را نمیگذارند. امروز جربان روبیزیونیستی حاکم بریک سازمان جربکهای نیز همین مشی را در پیشگرفته است. از نظر این جربان سرکوب جزء ماهیت دولت بورژوازی نیست و این طبقه ماهیت "ملح طلب" میباشد در حال لبکه جگ. افروزی از جزوی هیت نیزه های خط مقاومت و رهروان برولتاریا مانند سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر، کومندو... میباشد از روبیزیونیسم او بورتو نیسم آنکه بورژوازی "تحقیق ملح آمیز مطالبات خلق کرد" تحت حاکمیت بورژوازی را تبلیغ نمود، بورژوازی را از هر جانبی منزه ساخت و ملزم مان نیزه های انقلاب با نیزه های خدا نقلاب مانند لبکه را مخدوش نمود. تنها کسانی چنین میگنند که برولتاریا پیش کرده و به جمهوری بورژوازی روی آورده اند.

رهبری چربکهای فدائی میگوید: "نیزه ها و عنصری که با حرکات چپ روانه خود علا درکنای امیریا ایسم قرار گرفته و بزرگترین ضربات را به جنیش میهن ما وارد میسازند" میگویند. کوشندتا جنیش را با تحریف کشند" (کار ۵۹) پس زندگانی داد بورژوازی "ملح طلب"! زندگانی جناح "ضد امیریا لبیت هیئت حاکم" که میباشد را در مردم را هدایت میکنند و امیریا لبیسرا "ملزه" اند. انداده است!

می بینیم چگونه روبیزیونیستها که قلبشان ملام ال از عشق و اعتنای دبه بورژوازی و مخالفت نسبت به انقلاب است، جنایات بورژوازی و دولت طبقاتی اورای بردۀ سازش می بوسانند، می بینیم که روبیزیونیستها چگونه آب تقطیع و سپاهی میزنند و بورژوازی را بجهاد میکنند. می بینیم "ضد امیریا لبیت" و "ملح طلب" معروفی میگنند. قتل عا متدوه ها را توسعه دولت بورژوازی نفی میکنند و بدین ترتیب جاده سازش طبقاتی را صاف میکنند. می بینیم که روبیزیونیستها چگونه دولت بورژوازی را بستای بجهاد سازش برپرسانند و داران علیه طبقه کارگر و سازمان بورژوازی را تقویت کنند. امیریا زانی چند از بورژوازی و خزینه در "با لا" اتکارا میگنند. را تحریف میگنند.

● جالب است که سازمان چربکهای فدائی حتی دیگر از میازدها "محا فیل لیبرال" درون هیئت حاکمه "که دنیا دیروز آنچنان برآن با میفسر دو مرز خود را با دیگران برسرای میگرد، بفرماوش سپرده است و این میباشد زره ریسکوت برگزای میگند. آنچنان روبیزیونیسم ریشه داده است که اکنون رهبری سازمان چربکهای فدائی همه جنابهای هیئت حاکمه را از چمله بورژوازی را که دنیا دیروز آنچنان برسرای میازدها را کیدمیگرد به وحدت بخاطر "میازدها" میباشد. میازدها میخواست.

اینجاست که به حلقدیگری از سیستم روبیزیونیستی ارشاده نموده بورژوازی را در میانه میگذرد. این جربان با ارشاده بورژوازی همچنین برشمردم دست به تشییع رزم کشیده است. این سیاست میباشد این جنابهای هیئت حاکمه را از چمله بورژوازی را که دنیا دیروز آنچنان برسرای میازدها را کیدمیگرد به وحدت بخاطر "میازدها" میباشد. میازدها میخواست.

## الف - قشنگ زدایی

زیرهای این قسمت بدینهورت فرموله میشود که "... محا فل جنگ افروز و سرکرد رون هیئت حاکمه... هنوزه اعمال جنگ افروزانه و قد دمکار نیک خود آمده میدهند و درست در سرای میان محا فل، جربا نات انجراف به جم جنیش کوئنیسی ولیسرالها روزگرسته تریده اعمال آن را سیاستی و شعارهای سرگوشی کشیده میشوند... و اکران وضع بدنی متوال پیش رود، صفو غدامیسی - لیستی توده های جنای تضعیف میشود و شنج در گیری و خشونت میان مردم جنای الام کشیده دارند که نتیجه جنایات سایه بذیران فدرت کردن حبیبه فدائی انقلاب و سقدرت رسیدن حکومت دست سایه امیریا لبیم آمریکاست" (کار ۵۹ - صفحه ۱۴). این جربان بس از جنیش زندگی هاشی. نیزه های کمونیست و مارکسیست را که درمناسی سرمه ایستاده کردند و میباشد این تفاوت در آن حدی است که بتواند

**پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک صامن وحدت جنبش کمونیستی**

# پیکار

ضممه شماره ۵۷  
سال دوم ۱۲ خرداد

می باز راه آنها از تاکتیکهای رفرمیستی نیز استفاده می کنند، فقط میتوانند برای روز بیرونیست هادست او بری برای اتحادیا "جناح عاقلت و دورا ندیش" تر "هیشت حاکمه و توجیه خیانت آنان به امنقلاب با شدو جو دیاندهای سیاستی از این امری تازه شنوده وا و لبین ساریست که استنما رگران برای سرکوب شوده ها از جنگ مزدور ای استفاده می کنند. تحریمه سیاستی از اشکورها و عربان، که هر حرکتی درجهت تا من حتی جزء کوچکی از خواستهای زحمتکشان را بشدت سرکوب کند، هرگاه

"شنجه" و سرناجای مدت کشیدن از می بازه نه تنها برای بدست آوردن حقوق ابتدائی خود، بلکه همچنین برای تحقیق انقلاب، حال بدبختی که ببرده جمله می باشی های یک بیشن رویز بیرونیستی کامل را کنار بینیم تا بینیم و تعیت چیست؟ واقعیت اینست که درین سیاست سرمایه داری وابسته، جیزی نمی تواند بیان شدگیرد یکتا نوری آشکار و عربان، که هر حرکتی درجهت تا من حتی جزء کوچکی از خواستهای زحمتکشان را بشدت سرکوب کند، هرگاه

خود سرگیریش خیانتها را به جنیس خدا می پرسی خلیق ما را میدارد و در دور می شود که درگاه اینهاست دمکراطی و جنگ افروزانه جناحی هاشی از حکومت را فراهم می کنند... جنابیکارانی که دستور کشنا را زندانی را میدهدند و شدیداً خلیق ما را میدارد... سرپوش سیاست کشیدن... سرپوش سیاست که هرگاهی و شدیداً خلیق ما را میدارد... "کار ۵۹ صفحه ۲" و روزهای سرپوش سازد بیش داریم، روزهای شی که هرگز نیروی ترقیخواه و خود عملیاتی همراهی که قلبین برای استقلال و آزادی ایران می تبدیل باشد این مسئولیت کامل و بدور از هرگونه ناکنایی و داریشی عجولانه است قبل از آن سرود و گرمه میتواند استنبا های مرتب شود که ناریخ از آن سعیان خیانت با دخواهد کرد... "کار ۵۹ صفحه ۲- تاکید از ماست" و "وقتی به اهمیت این می بازد و سرپوش ساز... بین دنبیشم... این زیبی در میان که هرآشنا نمیروندی ترقیخواه سپاهی که بزرگترین خرافی از آن های ترقیخواه سپاهی که هرآشنا نمیروندی خراسان وارد می کنند چه اسعا دخیانه از آن میزی بخود می کنند "کار ۵۹ صفحه ۱" و با لایحه ارگان این سازمان با "مسئولیت عظیم" برای همکاری با هیئت حاکمه این احکام را صادر می کنند که "با بدھم سلاحها و فلم های سیاسی که میرپیکرایین جنگی خراسان وارد می کنند چه اسعا دخیانه از آن میزی بخود می کنند" او... کار ۵۹ صفحه ۱ و با لایحه ارگان این سازمان با "مسئولیت عظیم" برای همکاری با هیئت حاکمه این احکام را صادر می کنند که "با بدھم سلاحها و فلم های سیاسی آمریکا و متحدان داخلی شناه رود" "کار ۵۹ صفحه ۲" (که البته این متحدان دا خلی در پرده ای از استنای خاص خود و سپاهیان این مسئله که درگناه رتا کنیک اصلی سرکوب، تا کنیکه ای رفرمیستی همکوپیش بکار رود، تا شیری در امبل قصبه ندازد، جرا که رفرمیهای خدا غلایی نیز، زمانیکه می بازند تهوده ها در عتلاآسیا فرقا تراز این رفرمیهای طی طریق میکنند، جیزی نمیست هرگزکی از سرکوب می بازد، نهایی شدتما مجنحا فرازها ها، قدرت سیاسی حاکم در چنین میستمی برای دفاع و حفاظت از موجودیت سیستم و طبقات و اقسامی که این سیستم در خدمت آن است، و خود این قدرت سیاسی نیز سعیان خود را در آن خدمت میکنند، جرا که این سیستم در خدمت آن است، تندار و دویضی است که این سیستم در خدمت آن است، و دفاع از موجودیت خود جراهای جزء باز می باشد، سیاسی حاکم و نهادی این منابع است میگذرانند و استنای رخواهیان و تهی جمهودا نشکا و... گوی سیقت را از بذکرگرمی رسودند! مگر همین سیقت در این اصلاح - طلب نسود که می بازد و تهی جهاد را از همین کشوران خلقت ترکمن (که بعزم شما شدیداً با آن مخالف بود) است از آنها را اعلام داشت که اگر وهم قاضی شر عسود آنها را به اعداً محاکمه میکرد! باعث تماش این سوالات از سرطمان مثبت است. حال آنکه این با ساخت از جانب دیدگان این روز بیرونیستی که در بیان می بازد، بورژوازی است منفی میباشد.

حال سپهادا زیمه سیمه میتواند از تولید و پیشری این جریان که این دولت را در دست آورد این طرف این جریان

بدون این دیکتنا تویری اساس سرمایه داری وابسته و ادا محیات آن هر لحظه در معرفی خطر جدی قرار می کنند، چرا که این استنای رگران و فشارهای وارد هم منافع و مصالح طبقاتیان ایجاد کند، درگناه ارگانهای رسمی سرکوب مثل ارشت، هلپس و سرکوب باقی کنورما اضافه بر اینها سیاست ایجاد از اینها گردند. غیر رسمی سرکوب نیز استنای که در کرد و خواهد کرد. ما از این سازمان می پرسیم، پسرن اینکه رهبری اینها را بازهای سیاست داردست جنایی از هیئت حاکمه نباشد، این امر دلیل جنگ افروز بودن این سازمان این می باشد و میتواند این دلیل است. این دیکتنا تویری و درستور داشتم بود ن سرکوب چیزی نیست مگر لزوم تطبیق روسی این سیستم با زیرستانی خاص خود و سپاهیان این مسئله که درگناه رتا کنیک اصلی سرکوب، تا کنیکه ای رفرمیستی همکوپیش بکار رود، تا شیری در امبل قصبه ندازد، جرا که رفرمیهای خدا غلایی نیز، زمانیکه می بازند تهوده ها در عتلاآسیا فرقا تراز این رفرمیهای طی طریق میکنند، جیزی نمیست هرگزکی از سرکوب می بازد، نهایی شدتما مجنحا فرازها ها، قدرت سیاسی حاکم در چنین میستمی برای دفاع و حفاظت از موجودیت سیستم و طبقات و اقسامی که این سیستم در خدمت آن است، و خود این قدرت سیاسی نیز سعیان خود را در آن خدمت میکنند، جرا که این سیستم در خدمت آن است، تندار و دویضی است که این سیستم در خدمت آن است، و دفاع از موجودیت خود جراهای جزء باز می باشد، سیاسی حاکم و نهادی این منابع است میگذرانند و استنای رخواهیان و تهی جمهودا نشکا و... گوی سیقت را از بذکرگرمی رسودند! مگر همین سیقت در این اصلاح - طلب نسود که می بازد و تهی جهاد را از همین کشوران خلقت ترکمن (که بعزم شما شدیداً با آن مخالف بود) است از آنها را اعلام داشت که اگر وهم قاضی شر عسود آنها را به اعداً محاکمه میکرد! باعث تماش این سوالات از سرطمان مثبت است. حال آنکه این با ساخت از جانب دیدگان این روز بیرونیستی که در بیان می بازد، بورژوازی است منفی میباشد.

آنها را از اعداً محاکمه میکرد! باعث تماش این سوالات از سرطمان مثبت است. حال آنکه این با ساخت از جانب دیدگان این روز بیرونیستی که در بیان می بازد، بورژوازی است منفی میباشد.

حال سپهادا زیمه سیمه میتواند از تولید و پیشری این جریان که این دولت را در دست آورد این طرف این جریان

(۸) - البته سازمان جوییکهای فداشی این شوشه را بگرا کرگان آن کارخانه هایی میکنند که در آن سورا های واقعی و وجوددارد، این دیگر عذر دیدر از کنایه است افاده این دستور رگران و رحیم نشان از طرح آن که بسته تر برخوردار و منوحت فنا رخداد، سایه نگران واقعی خویش را در "سورا" نشانه داشت، از آمان دعوت میکند که جریح دستگاه بهره کشی سرمایه داران را سرعت بیکاران را نشاند! یعنی از کارگران درست این دستور رگران و رحیم نشان از طرح آن که بسته تر برخوردار و منوحت فنا رخداد، سایه نگران واقعی خویش را در "سورا" نشانه داشت، آنها دولت سرور زواری (احمی آن جیزی جزا این طبقاً دولت سرور زواری) حمی آن جیزی جزا این طبقاً "سورا" و کارگران طبق می کنند!

# فان ، مسکن ، آزادی

# پیکار

صفحه ۹

سازمان جریکهای فدایی مطرح میکند:  
"ما راه اعلام کرده بیمه ساست" سراندازی  
نمی تواند سیاست پسندی را در می بینیم  
لیستی و دمکراتیک خلقهای ایران بحسب  
آباد" (کار ۵۹)

در اینجا سازمان جریکهای سرای کریش خود در  
فیال سورژوازی دست به تحریف میزند. همه مددخواه  
کدرحال حاره همچنین نیروی کمونیستی بعلت فیدان  
موقعیت عمومی اتفاقات و شرایط ذهنی لازماً نقلاب  
تشار "سرا سدازی" را مطرح نکرده و درستور روح‌دوغوار  
نداده است. ولی این امریک جنبه‌هایی است، حال آنکه  
آنکه باید فرود پیش شروع کمونیستی توافق در  
میانه طبقه‌ی علمیه زیم کامرا طرح نکرده و می‌بینیم -  
تواده بکشید و بجه نیروی کمونیستی با این نقلاب  
و اعلام نکرده و می‌تواند بکشد. همه کمونیستها  
می‌گویند سب سی و روزه اتفاقات توده‌های علمیه هستند  
حاکم‌کنوشی و امیریا لسم، بعثت مدوراً ملی  
میانه طبقه‌ی علمیه کرد. همه کمونیستها و اتفاقات و فیال  
به اتفاقات می‌گویند سب سی و روزه طبقه‌ی حاره درجا بد  
بیوشه "ما حسناً قدرت دولتی" را تعجب می‌بینیم.  
زیرا این سیاست بیکمراست.

با وجوده این واقعیت، اختلاف اساسی شروع  
های بیکمراست از مان جریکهای فدایی به مثلاً  
دولت‌دوغوار قرار دادن. با دادن "سرا سدازی" تکه  
مثلاً موجود خان با ساختن سمت میانه طبقه‌ی  
علیه قدرت سیاسی می‌بینیم. مثلاً امداد دادن با  
ادا مددخواه به میانه طبقه‌ی تا اتفاقات اجتماعی  
می‌بینیم. مثلاً تفاوت میان مارکسیسم - نیتیسم  
از پکن و پکنیسم و لیبرالیسم ارسی دیگریم -  
باشد. مثلاً این ایستگذار از مان جریکهای فدایی  
حال فیال میانه طبقه‌ی علمیه حکومت کنوشی می‌بینیم.  
این سازمان از میانه روزه اتفاقات علمیه "ما حسناً قدرت  
دولتی" تا نهایی کرده است. زیرا می‌بینیم ملحاب با  
بورژوازی روی آورده است.

سازمان جریکهای کوید:  
"... ما مصمم‌که بیش از بیش برای استقرار مطلع  
در گردستان و جلوگیری از گسترش دشمن‌گرد  
این منطقه تلاش کنیم و از اشغالهای صلح طلبانه‌ی  
کدرسرخی محفل حکومت دیده می‌شود استقبال  
می‌کنیم" (کار ۵۹)

و سیاستهای میکند:  
"... در مقابل جنگ افروزیها تا آنجا که در  
توانیم بوده است ایستادگی و مقابله کرده‌ایم  
... ما مصمم‌بما توجه مسئولیت عظیم را زمان با  
حرکات آن روشیتی و شعارهای سرگوش و بوسه  
حرکات جب و روانه‌ی که نیوتن آن روشیت ها در  
میان طبقه‌کارکردهای مادا من زده می‌شود کشته‌ایم  
حاسمه می‌گیریم" اهمانجا تا کنید از ماسا

نماینده بورژوازی و مدافعان نظام سرمایه داری  
وایسته است، جراحت‌بودن این نظام بمقایی این  
طبقه‌های میسرخواهیدند. با توجه به تما مابین دلایل  
است که کمونیستها را سنتی که در آن رامان طبقه‌ی  
برولتا ریا می‌جنگند غیر معمتماً می‌ضعف ها و محدود  
سته را هی نداشته باشند بدو تزلزل، خط می‌زره  
طبقه‌ی خوط اتفاقات را دنبال کنند. حال آنکه  
بورژوازی فریضکار ایران بمعنی احتراف کنند  
نماینده اتفاقی این جنبش، می‌بینیم "چماق و سان  
شیرینی" را در پیش‌گرفت و روی بیرونیستهای خاش حرب  
نیزه نیزه اتفاقات واقع می‌تمهیم ها و سراهای فدای  
اتفاقی را به شیوه‌ای اتفاقی راستی و می‌گردند  
و می‌نمایند.

امروزه همیزی سازمان جریکهای فدایی در حیات  
از بورژوازی سیاست خود را تخطه می‌زند و شیوه‌ای بیکسر  
راد بیش کرته است. این رهبری شیوه‌ای را که  
خواهان ادا ممکن روزه طبقه‌ی اتفاقات و اتفاقات می‌باشد  
"جب رو" و "آن روشیت" می‌خواهد. آن را در کنار  
عوا مل امیریا لیسم جای میدهد و آن را مینهیم میکند  
که "سرا کترین خیانیها را به جهش صدا میریا لیستی  
حلق ماروا می‌دارند" (کار ۵۹) اما می‌گویند عجیبی  
بین حریفهای بینی مدر، حزب توده و رهبری سازمان  
جریکهای فدایی حلق می‌بینیم! بینی مدر همیکوبید  
گروههای غیر مشمول و جب رویه ملت خیانت میکند  
ولی روش استکه درگراواز "ملت" همان طبقه‌ی  
سرما بهدازان میباشد و هرگونه ضربه به منافع این  
طبقه استنما رکرا "خیانت" زیرا بی میکند. حال  
رهبری سازمان جریکهای فدایی کدویی سازش با  
بورژوازی متأثر استند و خود را شنیدند؟ بینی  
شوند؟ که نزد سود بورژوازی افزایش باید؟ رهبری سازمان  
از میانه روزه دست کشیده و بجهان اتفاقی خانمه دهند؟  
که به تدبیت بورژوازی ارجاعی کمک شما بیند؟ بینی  
چه باید دست از اعتماد و تحصیل رهبری سازمان چه؟  
ناتیزی از حقوق خود دست بکشند؟ بینی چه این "مدرسه  
اتفاق" را تعطیل کنند؟ که با تحکیم رژیم حکم بیشتر  
بیشتر سرکوب شوند؟ که مرگ تدریجی خود را تداوم  
بخشند؟ نکی نیست که تما مروی بیشتر استند که بدا من  
بورژوازی بینا میرده اندور همیزی رهبری سازمان چ. ف. خ.  
برای این سوالات با سخنی ای آماده‌ای دارند، اما  
درین همشکی نیست که این با سخا چیزی جزا برای  
جدیدبرای فریب کارگران و می‌نمی‌گذرانی کردن  
انسان در آستان بورژوازی نیست.

## ب- سیاست صلح ببورژوازی

"کافی نیست که اذاعان کنیم میانه طبقه‌ی اتفاقات  
وقتی واقعی بیکسر و مکمل با فنه مشود که  
سیاست را در پیکرید. در سیاست نیزه این امکان  
وجود داده با خود را محدوده جزئیات کرده و با  
عمق تربه مسائل اساسی بپردازیم. مارکسیم  
شنها هنگام میانه طبقه‌ی اتفاقات را کاملاً مکمل  
با فنه و "سرتا سری" میدانند که می‌باشد سیاست را  
در پیکرید لیکه مسائل اساسی سیاست بعنی  
استخوان قدرت دولتی را مطرح سازد...  
لیبرالیسم با میانه طبقه‌ی اتفاقات در حیطه سیاست  
شنها با شرط اینکه اختمان قدرت دولتی را  
شامل نشود موقوف است می‌باشد".  
(لتین - درباره درگ رکر لیبرالی و مارکسیمی  
میانه طبقه‌ی اتفاقات)

اما نظر که در سطح قیل متوجه شدیم، سازمان  
جریکهای فدایی با طرح ضرورت حیات از بورژوازی  
و دولت حکم‌به نفع پیشتردا می‌نشاید و می‌نماید  
میرسد و بورژوازی پیکر را که خواهان همراهی با  
میانه طبقه‌ی اتفاقات می‌باشد آن روشیت "لیمدا دمی" -  
کند. حال آنکه سیاست روی بیرونیستی و انحرافی،  
عیارت است آن سیاستی که در بیرونی را "ملح"  
می‌پرسد و بورژوازی است، سیاستی که دریسی  
تکا میانه طبقه‌ی اتفاقات و کسب قدرت سیاستی نمایند  
سیاستی که در بیرونیستی کردند سیاستی میانه  
طبقه‌ی ایستادگی "خیانت" اتفاقات قدرت دولتی مینایند.

و زدیان بینی مدر عوای مقرب نیزه است که در هر کوی و  
برزن و در هر سخنراستی بر آن تا کیده کنند. وا قیمت  
این است که گرچه کارکردن را بخوبی از قیمت ایجاد نموده  
و پس از آن، بیشترین فدا کار بیها را کردند. بیشترین  
کشته را دادند و می‌باشد رهبری سازمانهای بود که  
نقش قاطعی بینی مدر با جایزیت سکین سلطنت داشت،  
اما نه تنها کمترین بیهوده ای از این همه فدا کاری و  
میانه زیست نیزه است که بعده ما هیئت قدرت سیاسی حکم چنین  
بین شرفت اکه بعده می‌باشد ما هیئت قدرت سیاسی حکم چنین  
استخوان ریزه نیزه درست و فریب شوده است (بلکه  
هیئت حکمه ای زیست می‌باشد) این فرازی مکررا دعوی است  
که درکه با زیگردند و بیهوده استنما رخداد مدهند  
کارگران میانه زیست می‌باشد ایستاداشی درین حقوق خود  
میانه میکردند و در میزدگر و خارج و دستکنی و بیهوده  
زندان افتاده اند، کارگران بیکار ایستاداشی درین حقوق خود  
محروم شدند و رفاقتان نیزه ای ایستاداشی درین حقوق خود  
اسلامی (که) الیتی چیزی کری کجا این هم نمی‌باشد  
باشد) ای ایستاداشی میانه زیست کارگران بعین اعصاب  
نیزه منوع اعلام شده و مجاوزه ای سکینی سرای بیکار  
بردن آن بینی بینی گردید. شما را ای ایستاداشی حکومت  
بورژوازی درین مدت بین ای ایستاداشی رسیدن ایستاداشی  
بوده: کارگران عزیز "صری اتفاقی" داشته باشد  
کمترین خواهد، ما بیشتر کارکنند و بیشتر تولید کنند  
ما بینیم کارگران در زلزله بورژوازی برای  
چه دست به افراد شنیدند؟ که بیشتر استنما  
شوند؟ که نزد سود بورژوازی افزایش باید؟ رهبری سازمان  
از میانه روزه دست کشیده و بجهان اتفاقی خانمه دهند؟  
که به تدبیت بورژوازی ارجاعی کمک شما بیند؟ بینی  
چه باید دست از اعتماد و تحصیل رهبری سازمان چه؟  
ناتیزی از حقوق خود دست بکشند؟ بینی چه این "درسه  
اتفاق" را تعطیل کنند؟ که با تحکیم رژیم حکم بیشتر  
بیشتر سرکوب شوند؟ که مرگ تدریجی خود را تداوم  
بخشند؟ نکی نیست که تما مروی بیشتر استند که بدا من  
بورژوازی بینا میرده اندور همیزی رهبری سازمان چ. ف. خ.  
برای این سوالات با سخنی ای آماده‌ای دارند، اما  
درین همشکی نیست که این با سخا چیزی جزا برای  
جدیدبرای فریب کارگران و می‌نمی‌گذرانی کردن  
انسان در آستان بورژوازی نیست.

حال اگر توجه کنیم که تحلیل ما را کیستی ساخت  
اجتماعی - اقتضا دی حاکم بر جا مده نشان میدهد که  
میانه زیست می‌باشد ای ایستاداشی میانه زیست  
داری و ایستاداشی و قدرت سیاسی حکم مده ای ایستاداشی  
اگر توجه کنیم همین تحلیل شنای میدهد که ایران در  
حال حاضر گهای هنخداهای سیستم جهانی ایستاداشی  
بوده و بحورت "حلقه ضعیف" این سیستم در آمد است و  
اگر هنوزیه تزلیفی "فریب زدن" به سیستم جهانی نیست  
ای ایستاداشی میانه زیست میانه زیست  
میانه میکند که میانه طبقه‌ی اتفاقات میانه زیست  
و کارگران و زجیتکشان بر علیه قدرت سیاسی حکم نه  
درجهت تمهیف میانه زیست میانه زیست "بلکه دیقا  
درجهت استنکه ای ایستاداشی نمی‌باشد" همیزی رهبری سازمان  
کشان است. همچنین و شریو بیکری نمی‌باشد ای ایستاداشی  
هیئت حکمه ای ایستاداشی و میانه زیست کند، همچنین  
شریو بیکری نمی‌تواند استنکه ای ایستاداشی  
نظامی ای ایستاداشی میانه زیست حکم میانه زیست  
زیرا این دولت، را کار طبقه‌ی اتفاقات میانه زیست و پسر  
انقلاب است، زیرا این دولت ما همینا قدرت سیاسی  
نمایند میانه زیست میانه زیست



و بیویزه‌تها جمرو بیزبونیستی سوسال امیریا لیسم شوروی نمی‌توانست به خارج شدن یک مری از احزاب و جربانات "مرکز" یا بین‌بینی جنبش کمونیستی و نکام روبیزبونیستی آنها بتویه خودسرعت تبعشند. با توجهی‌های اوضاع بین‌المللی، در ایران درست بحران سیاسی - اجتماعی و تشدید می‌گزیند و طبقه‌تی خجال بین خط مشی ما رکیستی - لینینیستی و خط مشی روبیزبونیستی نمی‌توانند اخراج نگردند و می‌توانند روبیزبونیستی جدید و گیجیده‌نمی‌توانند نیروها را بسوی باخ منعکس تروپریتیکشانند. سوسال امیریا لیسم خواهد گشت. کسی که این حقیقت

به عنی کمی‌هاد دن به مبارزه علیه روبیزبونیسم و ایورتوئیسم می‌باشد. این فرسایه‌ای بکار رده‌گر شناش مده‌دان چمیزان مبارزه علیه روبیزبونیسم در جنبش کمونیستی از همیت قطعی سرخورد را است. در واقع کسانی که این مبارزه علیه رکم‌بها مده‌دان و در مقابل آن کوشش می‌کنند، زمینه‌ساز رشد و توسعه روبیزبونیسم‌ها به یک انحطاط سورژواشی می‌باشد و خودشان اگرچنان تجدیر اخراج خویش به پیش روند. قربانیان روبیزبونیسم (در اشکال گوناگون) و سوسال امیریا لیسم خواهد گشت. کسی که این حقیقت

نحوه می‌تواند مصلح با سورژوازی نکند. رهبری سازمان جریکها، در شرایط ستم‌طبقاتی و امیریا لیستی، "صلح اجتماعی" را موضع‌گردانید و می‌کوشند سارکترش مبارزه‌طبقاتی جلوگیری شماید. حال آنکه کمونیستها و طبقه‌دارندگان می‌توانند آنها را بتویه طبقاتی را در جهت سترشان می‌نمودند. ولی روبیزبونیستها از اسلام اسلام‌آخوند و حنفی‌لیستی را در این طبقاتی سیاست‌های اسلام‌آخوند را در این طبقاتی می‌گذارند. سیاست‌های اسلام‌آخوند را می‌گذارند. مطری کرده و بقول لینین "همه‌ترین مظلومان" مارکیسم بمعنی آموزش مبارزه‌طبقاتی را مورد تجدید‌نظر قرار می‌دهند.

## «کلام آخر»

● **گراش روبیزبونیستی** حاکم‌بسا زمان چریکها در تکامل خود به یک جربان روبیزبونیستی در خل می‌خود، به تجدید نظر در برابر مفاہیم ما رکیستی - لینینیستی دولت و مبارزه‌طبقاتی برداخته است، هرجندگاه این تجدید نظر را کما ملا شوربیز نکرده باشد. تحریف روبیزبونیستی مقوله دولت، حمامیت و پشتیبانی از دولت سورژوازی و دولت طبقاتی او، سلیمان سازش طبقاتی و پیش‌گذاشتی را زده‌طبقاتی، ردشیوه‌های انسانی و مبارزه‌وروی آوردن به شیوه رفرمیستی واصلح طلبانه در برداشت سورژوازی، تا شید سوسال امیریا لیسم‌شوری بمنای بیک‌کشور "سوسال لیستی"، تا شید حزب توده‌خاشن و ورکشته، این کارگرا رسوسال امیریا لیسم‌بها نهادن به بخشی از جنبش کمونیستی ایران، همه و همه موادی را زان در تحریفات روبیزبونیستی توسط این جربان است و اگر همین رونده‌هنجان ادا می‌باید را در تکامل این جربان از مارکیسم - لینینیسم انسانی خواهد نجاشد.

امیریه‌خودنمی‌توانده‌جه بیشتر جبهه روبیزبونیستی را عربان نکند. رشد و تکامل گراش روبیزبونیستی در سازمان جربیکهای فداشی درست‌محروم‌تمولهات ملی و بین‌المللی صورت می‌گیرد. عربان گردیدن هرچه بیشتر روبیزبونیسم را مان جربیکهای فداشی خود موجب می‌گردد. اما مکان اخما مزرسنده‌های دقت‌تر و تصفیه‌گسترده‌صفوف جنبش کمونیستی از اندیشه‌ها و افکار رضام رکیستی و روبیزبونیستی پوشیده‌آنکار، پیش‌بیدی‌آبد. حال کمونیست‌ها با بدیهی این تحولات آنکه شرخوردن‌نموده و بکوئشتن از طریق پیش‌بیدی مبلغ زده‌سی - ابدی‌ثولوژیک‌فعال، این مزرسنده‌ها هرچه‌آکا هستروند تقریص‌صورت گیرد. بدون این می‌زدیگر دار روبیزبونیستی جنبش ما رکیستی - لینینیستی نمی‌تواند بطرده‌دهم‌جانبه روبیزبونیستی تقویت‌قطعه‌ای دشواری را می‌تواند. این مزرسنده‌ها آتی خودناش آبد. بدون این مبارزه‌ای دشواری روبیزبونیستی غائب بر سر زمان چ. ف. خ. را فزون‌نماید. در عرصه‌های انسانی‌المللی مارکیسم لینینیسم‌جادل هم‌مکنی علیه روبیزبونیسم (در اشکال خروج‌خفی) - بر زنگی جیشی و ... ادریشی دارد. واقعیت این‌گهه سرچ بورژوازی علیه برولتاریا موجب گردیده تا بکسری از دست‌وردهای موسای لیسم‌موقتاً رشتن سرود. شوروی سوسال امیریا لیستی لینین و اساتلین به سه‌چن روبیزبونیستی تبدیل گردند. این تحولات خود را در جنبش کمونیستی بین‌المللی منعکس ساخته و مددگاری‌های اجراب و سازمانهای متعددی برآهند. از دادخواست کشیده شوند. این ضربات نمی‌توانست سرایط معاشری جیش رشد و سعدی روبیزبونیسم بوجود نباورد. در حال حاضر تعریف روبیزبونیسم "سچه‌سی"

همانکوئکه دیدیم، گراش روبیزبونیستی حاکم رسال زمان ج. ب. خ. در سکا مل خود به یک جربان روبیزبونیستی در خل می‌خود، تجدید نظر درباره می‌شود. لینینیستی دولت و مبارزه‌طبقاتی اینکه مارکیستی، سارکترش مبارزه‌طبقاتی جلوگیری شماید. حال آنکه می‌گوییم این طبقه‌دارندگان می‌توانند آنها را بتویه طبقاتی می‌نمودند. ولی روبیزبونیستی این اسلام اسلام‌آخوند و حنفی‌لیستی را در این طبقاتی می‌گذارند. سیاست‌های اسلام‌آخوند را می‌گذارند. مطری کرده و بقول لینین "همه‌ترین مظلومان" مارکیسم بمعنی آموزش مبارزه‌طبقاتی را مورد تجدید‌نظر قرار می‌دهند.

لینین بتوت ساست ایورتوئیسم و روبیزبونیستی "همکاری طبقات، استکاف از زدگان" - سوری سارکترش انسکاب از عملیات انتقامی، شناسایی دوند و سرمه‌زدگی و شناسایی سورژوازی، سی اعتمادی سیم‌بدرولساری و اعماق‌بدهی سورژوازی (ایورتوئیسم و روبیزبونیستی اسرا رسال دوم) و مروعی سیم‌محمون اسرا رسال ایوریان حاکم بر سارمان حربکای تداشی سارمان حکم‌گذاری انتظامی دارد. روس اس کدحا کمیت جربان روبیزبونیستی سراسر سارمان سک‌صریه‌سرا جنبش کمونیست ایوان - "مرسدای کتسان سک‌جنیف" فرا موشندیستی

## مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتقای داخلی جدا نیست